

مواضع مجلس در برابر تورم و گرانی

طرحی که گروهی از نمایندگان مجلس با قید یک فوریت برای کنترل قیمتها و خدمات و سلب اختیار قیمت گذاری از شورای اقتصاد تقدیم کردند گروه در میان انبوه لوایح و طرحهایی که در دستور کار مجلس قرار دارد گنم شده، اما هنوز فشاری از مردم به تصویب آن دل بسته اند.

هرگاه بزرگه ای از گران شدن یک کالا یا خدمت شنیده می شود مخاطبان ماهنامه با نوشتن نامه و یادداشت های مفیدی خود از سرنوشت این طرح جوینا می شوند.

جز این، مقاله ای که با عنوان قیمت گذاری، مجلس و دگرگونی اصول، در شماره چهل ماهنامه چاپ شد برای گروهی این سؤال را مطرح کرده است حتی در صورت تصویب این طرح، آیا مجلس واجد چنان اختیارات و قاطعیتی هست که بتواند بر قیمتها مهار بزند و بیانی نسبی را به جامعه ماکه از تورم تعطیل نماید به سئوه آمده از بیان کند!

دیدگاههای کارشناسان ماهنامه در این زمینه قبلاً چاپ شده است. اینک ما پاسخ همین سؤالات را از زبان نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواهیم خواند.

گفتنی است این سؤالات را با عده زیادی از نمایندگان مجلس در میان گذاشته ایم. عده ای از آنان دادن پاسخ را به زمان مناسب موکول کرده اند و گروهی نیز ترجیح داده اند در این زمینه اظهار نظر نکنند.

موقع دولت خود بحث جلوگیری از افزایش قیمتها را مطرح کرد و شورای اقتصاد هم وعده داده که از این به بعد - مثلاً تا پایان سال - افزایش قیمت نخواهیم داشت و موضع گیریهائی از این دست که البته به آنها عمل نشد. در دنباله صحبت قبلی ام باید بگویم که در جلسات متعدد غیر رسمی که مجلس تشکیل داد و در بعضی از آنها از کارشناسان اقتصادی دولت نیز دعوت کرده بودیم روی مسئله گرانی به تفصیل بحث و اعتراض شد، شاید اقدام وزارت بازرگانی در برچسب زدن بر اجناس و غیره ناشی از همین حساسیت مجلس باشد ولی با همه این احوال کماکان قیمت اجناس بالا می رود و بهای کالاها و خدمات دولتی مرتب سیر صعودی را طی می کند و شورای اقتصاد هم مرتب پیشنهادات دستگاههای اجرایی را برای افزایش قیمتها تصویب می کند و توجهی به ا فشار آسب پذیر که شامل کارمندان و کارگران حقوق بگیر می شود نمی کند. هر چند که در مواردی مجلس از حق نظارتی خود نیز استفاده کرده و بعضی وزراء را مورد سؤال قرار داده و در کمیسیونها در جلسه علنی هم موضوع را مطرح کرده است ولی باز

گفتگو با نمایندگانی را که آمادگی مصاحبه داشتند با این سؤال آغاز کردیم که آیا اصولاً مجلس در کنترل قیمتها برای خود وظیفه ای قائل هست یا نیست؟ و اگر هست چه کرده است، و یا قصد دارد چه بکند؟

زارعی قوتانی مخبر کمیسیون ارشاد مجلس می گوید: می شود گفت که مجلس آن طوری که مردم انتظار داشتند و نمایندگان مجلس در نطقهای قبل از دستور از گرانی حرف می زنند و به فشاری که بر مردم وارد می شود اعتراض می کنند، در جلوگیری از تورم و افزایش قیمتها موفق نبوده است. عدم موفقیت مجلس به این دلیل نیست که نخواسته است یا نمایندگان روی این موضوع حساسیت نداشته اند، زیرا هرگاه در جامعه فشار تورمی و افزایش قیمتها بروز کرده و اعتراض عمومی را برانگیخته نمایندگان عکس العمل نشان داده اند. یک بار هم طرحی سه فوریتی برای محدود کردن اختیارات شورای اقتصاد تهیه شد ولی به دلایلی به مجلس داده نشد.

● به چه دلالتی؟
- دلالت به این شکل بود که در همان

مشکلات و معضلات مملکت حصول توافق مجلس نیست.

● در این صورت، آیا مجلس قصد ندارد در این زمینه از وزیر بهداشت و درمان توضیحی بخواهد؟

- مجلس این قصد را ندارد. زیرا وزیر محترم بهداشت و درمان، مشکلات عدیده دارو را در جلسات متعدد هیات دولت و در حضور ریاست جمهوری مطرح کرده اند. مجلس نیز از مضایق و کمبودهای وزارتخانه برای تسامین دارو مطلع است. اعتبارات وزارتخانه را در این زمینه تصویب کرده است و می توان گفت مجلس اطلاع دارد که چاره ای جز افزایش نسبی قیمت وجود ندارد. مخصوصاً که به دلیل ارزان بودن قیمت دارو، در مملکت ما بسیاری از داروهای موجود قاچاق می شود ولی مجلس برای جبران فشاری که از این رهگذر متوجه اقشار کم درآمد می شود لایحه بیمه های همگانی را در دستور کار دارد که بزودی تصویب می شود.

● آقای زارعی، مخالفین تصویب لایحه بیمه معتقدند که قبل از قرار دادن اقشار مختلف مردم زیر پوشش بیمه، خصوصی کردن بیمارستانها و مراکز درمانی یا افزایش قیمت دارو می تواند عامل فشاری بر مردم، بالخصوص اقشار محروم باشد آیا این درست است که قبل از تصویب لایحه که تازه تا زمان تحت پوشش قراردادن مردم سالی یا چند سالی وقت لازم است قیمت خدمات را افزایش داد؟

- البته لایحه در شور اول تصویب شده و در شور دوم در کمیسیون بهداشتی و بهزیستی مراحل پایانی خود را می گذراند و انشاءالله به زودی در دستور کار قرار می گیرد و بهر صورت تحمل فشار نسبی بهتر از این است که بسیاری از داروهای ضروری ناگهان با کمبود مواجه شود و جان بسیاری از افراد بخطر افتند.

● آقای زارعی شما در بحث راجع به اقدامات شورای اقتصاد گفتید که این شورا مرتباً پیشنهادات دستگاههای اجرایی را برای افزایش قیمت تصویب

شاهد بالا رفتن قیمتها هستیم که آخرین نمونه اش هم همین افزایش قیمت دارو است که حتی وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی عنوان می کند که این امر با موافقت مجلس صورت گرفته در حالی که اینطور نیست بلکه روزی ایشان در یک جلسه غیر علنی تنها از وضعیت دارو و مشکلاتی که وجود دارد و کمبودهای ارزی و ریالی گزارشی به مجلس دادند و بعد از این گزارش هیچ بحثی در مجلس صورت نگرفت و تصمیمی اتخاذ نشد ولی داروگران شد. بنابراین باید گفت که با وجود تلاشهای مجلس در این امر موفقیت عملی حاصل نشده است و علت آن هم شاید توجهاتی است که مسئولان اجرایی دارند و از اختیارات شورای اقتصاد استفاده می کنند اما اخیراً طرحی در مجلس مطرح شده که اختیارات شورای اقتصاد سلب شود که در صورت تصویب دیگر شورای اقتصاد نمی تواند بدون تصویب مجلس قیمتها را افزایش دهد.

● آقای زارعی شما به چند موضوع اشاره کردید که مورد به مورد به آنها می پردازیم: ابتدا گفتید که حرف وزیر بهداشت که اعلام کرده با موافقت مجلس اقدام به گران شدن دارو شده صحت ندارد. سؤال این است که در مقابل این عمل جناب وزیر بهداشت مجلس واز جمله خود شما به عنوان نماینده مردم چه اقدامی انجام داده اید؟

و اگر قرار شود هر روز یک نفر به همین شیوه اعلام کند که با موافقت مجلس اقدام به گران شدن خدمات وزارتخانه خود کرده چه وضعی پیش خواهد آمد؟

- در خصوص مصاحبه وزیر محترم بهداشت و درمان احتمالاً ایشان دادن گزارشی به جلسه غیر رسمی و غیر علنی مجلس را حمل بر توافق مجلس کرده اند در حالی که از نظر ما نمایندگان توافق مجلس موقعی حاصل می شود که موضوعی به صورت قانونی در مجلس مطرح و برابر آئین نامه داخلی مجلس روی آن صحبت شده باشد و پس از رای گیری، رای موافق آورده باشد و گرنه صرف اطلاع دادن به مجلس درباره

اگر می خواهیم «گره» شویم، باید تعدد مراکز تصمیم گیری از بین برود.

می کند و توجهی به افشار آسیب پذیر ندارد. سؤال این است که آیا شورای اقتصاد، سازمانی مستقل از این مملکت است یا اینکه شورای اقتصاد تابعی است از دولت و دولت هم تابعی است از اراده ملت و اراده ملت هم در مجلس تجلی پیدا می کند. آیا شورای اقتصاد حق دارد به هر دلیل خارج از اصول کلی که عبارت باشد از برنامه های عمرانی، بودجه بندی سالانه مجلس و سیاست های کلان اقتصادی مملکت که آنهم وسیله مجلس باید تصویب شود تصمیم بگیرد و اجرا کند؟

- معمولاً شورای اقتصاد در چهارچوب وظایف قانونی خود تصمیم می گیرد که قطعاً باید در چهارچوب برنامه های کلی مملکت از جمله برنامه های پنج ساله باشد. طبعاً اگر تصمیمی اتخاذ کند که با اهداف کلی نظام یا اهداف مندرج در برنامه پنج ساله مغایرت داشته باشد آن تصمیم قانونی نخواهد بود. بنابراین می توان گفت آنچه که شورای اقتصاد در گذشته در جهت افزایش قیمت ها تصمیم گیری کرده منبت از برنامه پنج ساله اول بوده است.

مسائل اقتصادی و سیاست خارجی

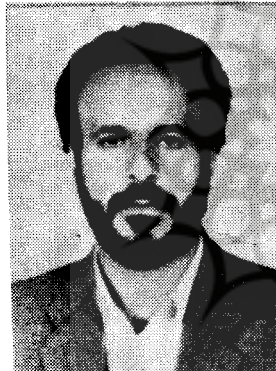
دکتر شعله سعدی نماینده مردم شیراز و عضو کمیسیون سیاست خارجی در این رابطه می گوید:

- قبل از هر چیز می بایست به یک سؤال اساسی پاسخ داد و آن اینکه میزان نقش مجلس در مسائل مختلف کشور و از جمله در بعد اقتصادی چقدر است؟ آیا مجلس می توانسته نرخها را کنترل بکند و نکرده؟ مجلس در حدی که ابزار در اختیارش بوده و بر حسب میزان اختیاراتی که دارد موفق عمل کرده است. در بعد اقتصادی همه چیز در اختیار مجلس نیست کما اینکه در ابعاد دیگر هم این چنین نیست. اولاً ما در کشور چند

ارگان تصمیم گیرنده داریم. مثلاً در بعد تصمیمات اقتصادی که شورای اقتصاد در زدیف همین مراجع تصمیم گیر است و ثانیاً بخشهایی از اموال کشور در اختیار ارگانهایی است که زیر نظر مجلس نیستند از قبیل بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، کمیته امداد امام، بنیاد پانزده خرداد، سازمان تبلیغات اسلامی و غیره که اینها در صد مهمی از دارائی های کشور را در اختیار دارند و مجلس هم قانوناً بر عملکرد اینها تسلطی ندارد، ثالثاً همانطور که مسائل سیاسی و فرهنگی از حدود مرزهای ملی فراتر رفته و جنبه بین المللی به خود گرفته، در بخش اقتصاد نیز چنین است و بخشی از مشکلات اقتصادی کشور ما معلول فشارهای جهانی است که برای رفع آنها اگرچه مشکل ما مشکل اقتصادی است اما راه حل، راه حل سیاسی خواهد بود

امنیتی است مگر اینکه مسائل اقتصادی، امنیت ملی را تحت تأثیر قرار دهد، آن وقت به آنها مربوط می شود.

مطلب چهارمی که در دنباله صحبت هایم باید به آن اشاره کنم در بخش درآمدی، قسمت عمده اش به درآمدهای نفتی برمی گردد که آن هم عمدتاً در چهارچوب اوپک تحقق پیدا می کند. با توجه به سیاست هائی که از سالها پیش آژانس بین المللی انرژی پیشنهاد و اعمال نموده است، با توجه به مکانیزم های عرضه و تقاضا و قیمت گذاری بازار و با توجه به اختلافات موجود در بین کشورهای عضو اوپک در یک سال گذشته شاهد کاهش شدید قیمت نفت بودیم و این بر کل اقتصاد مملکت تأثیر خاص خود را می گذارد. در این رابطه حالا مجلس چکار می تواند بکند؟ آیا مجلس قادر است که



شعله سعدی

اختلافات اوپک را حل کند؟ یا مکانیزم بازار را تغییر دهد یا خریداران غربی را قانع کند که قیمت نفت را افزایش دهند؟ بنابراین می ماند بخش نظارتی مجلس در درون کشور. وقتی که یک پدیده بعد خارجی اش قوی تر از بعد داخلی آن است حالا شما هرچقدر هم که بعد داخلی را سخت بگیرید باز عوامل خارجی آن، اثر خود را می گذارد، اما در بعد داخلی اولاً ما باید باور کنیم که یک کشور مقروض هستیم، بنابراین باید سیاستهایی را اتخاذ کنیم که متناسب با وضع خودمان است و از بعضی بلندپروازی ها خودداری کنیم و بیشتر به امکانات خود متکی شویم، اما اگر نظر شما این است که مجلس باید با تصویب قانون و نظارت قوی جلوی این بحران را بگیرد باید بگویم که مجلس در حد توان اینکار را کرده است. مثلاً در



زارعی قنونی

یعنی تا در سیاست خارجی و رفتار خارجی همین رویه را ادامه دهیم همان فشارها ادامه خواهد یافت. اما اینکه آیا مجلس قادر است که در رفتار خارجی ما تغییر اساسی بدهد؟ من فکر نمی کنم که مجلس چنین علاقه ای داشته باشد، زیرا با وجود ارگانهای دیگر مثل شورای امنیت ملی، در این خصوص یعنی سیاست خارجی نقش مجلس نسبت به قبل از بازنگری قانون اساسی که شورای امنیت ملی وجود نداشت کاهش یافته است.

● آقای شعله سعدی گمان شدن قیمت ها چه ارتباطی با شورای امنیت ملی دارد؟ اگر وزیری خارج از زدیف بودجه های مصوب مخارجی کرد یا پولهای اضافی از مردم گرفت این هم به امنیت ملی ارتباط دارد؟ - البته ارتباط آنها بیشتر سیاسی و

لایحه بودجه سال جاری سقف بودجه را کاهش داد و بعضی از افزایش قیمت خدمات و کالاهای پیشنهادی دولت را کاهش داد و این قدمی در جهت کاهش تورم بوده است. یا بعضی از این طرح های تحقیق و تفحص که توسط مجلس انجام شد، مثل سفرهای خارجی یا سفرهای خود مجلس که به شدت کاهش یافته اقداماتی در جهت صرفه جویی بوده است، اما آیا حتی با قانون هم می شود مشکل را حل کرد؟ باید پاسخ بدهم که خود ما در زمان جنگ که امام هم حضور داشتند و ما تضریرات حکومتی را با شدت و حدت اجراء کردیم... و تازه قوه مجریه نیز هم صلاحیت قانون گذاری پیدا کرد و هم صلاحیت قضاوت و هم صلاحیت اجراء، تازه زمان جنگ هم بود و وضعیت کشور در حالت فوق العاده قرار داشت و این گونه عملکرد توجیه منطقی خاص خود را داشت (اگر چه به لحاظ قانون توجیه پذیر نبود، اما به هر حال توجیه منطقی زمان جنگ را داشت) اما آن طرح از همان بدو اجراء محکوم به شکست بود و من هم قبلاً آن را گفتم و بعد هم معلوم شد که آن طرح از پیش شکست خورده است. حالا ما دوباره بخواهیم یک قانون جدید وضع کنیم چه بشود؟ ما عموماً برای مشکلات اقتصادی باید راه حل اقتصادی پیدا کنیم برای مشکلات فرهنگی راه حل فرهنگی. نمی دانم این چه بیماری است که برای حل هر مشکل بخواهیم متوسل به زور بشویم. زور همه چیز را حل نمی کند.

● آقای شعله سعدی شما به چند مورد اشاره کردید که ممنون می شویم در مورد آنها نظراتان را واضحتر بیان کنید. مثلاً در مورد تحقیق و تفحصاتی که اشاره کردید... نتیجه این تحقیق و تفحصا چه بوده است؟

- ما در دو سه مورد تحقیق و تفحص کردیم که شاخصترین آنها مورد صدا و سیما بود که نهایتاً منجر به برکناری رئیس مربوطه آن شد ولی اینکه آیا کسی محاکمه شود بر عهده قوه قضائیه است. بر عهده مجلس نیست. راجع به چند مورد دیگر هم تحقیق و تفحص شده و اگر قوه قضائیه دیگر تعقیب نکند ارتباطی به مجلس ندارد.

البته بگویم که راجع به تحقیق و

باید باور کنیم که یک کشور مقروض هستیم.

تفحص صدا و سیما علیرغم اینکه انجام شد ولی ظاهراً موردی که قابل تعقیب قضائی باشد در آن وجود نداشت.

● یعنی شما معتقد هستید که استعفاً مدیرعامل سابق صدا و سیما یا به قول شما برکناری ایشان به خاطر مورد تحقیق و تفحص مجلس نبود؟

- شرایط جور بود و این هم یک عامل کمکی بوده است.

میزان اختیارات مجلس

● آقای شعله سعدی مورد دیگری را که شما در صحبتهایتان به آن اشاره کردید این بود که برای مسائل اقتصادی باید راه حل اقتصادی داد. به نظر شما چه راه حلی می‌تواند امور را به سوی بهبود ببرد؟

- این را باید از اقتصاددانها پرسید. من نمی‌دانم چیست. اشکال ما این است که در همه زمینه‌ها می‌خواهم خودمان را به عنوان کارشناس تحمیل کنیم. ولی می‌توان گفت که با ایجاد تسهیل برای تولید و امنیت که شرط اول است و انجام سیاستهای حمایتی از تولیدات- مثل معافیت‌های مالیاتی- می‌توان زمینه‌های مثبتی را ایجاد کرد. از دیگر مسائل، ایجاد شرایط خوب بین‌المللی است زیرا که امروزه همه مسائل دارای دو بعد داخلی و بین‌المللی است که اثرات متقابل روی هم دارند.

● آقای شعله سعدی شما در ابتدای صحبت گفتید که در بعد اقتصادی همه چیز در اختیار مجلس نیست کما اینکه در ایجاد دیگر هم چنین نیست. ما به ایجاد دیگری کاری نداریم ولی می‌توانید بفرمایید که مجلس در کدام یک از ابعاد اقتصادی صاحب اختیار است؟

- اختیارات عامی مجلس دارد که این مربوط به کلیه امور داخلی و خارجی اعم از اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و بقیه امور می‌شود، اما منظورم این است که در کنار مجلس ارگانهای دیگری هم

هستند که در حد مجلس یا با فاصله کمی از مجلس عمل می‌کنند. مثل شورای اقتصاد. نه اینکه مجلس اختیاری ندارد. یعنی تعدد مراکز تصمیم‌گیری در امور مختلف کشور داریم که یکی از اینها مجلس است. البته من کماکان اعتقادم این است که مجلس به عنوان تبلور حاکمیت ملت باید نقش اصلی را داشته باشد.

● آیا از اختیارات مجلس می‌توان گفت که مجلس فقط اختیار گرفتن یا افزایش مالیات و گران کردن قیمت کالاها و خدمات دولتی را دارد؟

نه ... ببینید مجلس اختیار دارد، اختیار قانون‌گذاری دارد. یعنی می‌تواند مقدار مالیات و درآمدهای دولت را پیش‌بینی و تعیین کند و در مقابل هزینه‌هایی را که دولت باید انجام بدهد پیش‌بینی کند. یعنی لایحه بودجه کشور

اینها هم نمی‌تواند مشکل اقتصادی کشور را حل کند. الان هزینه‌های مکرر داریم. اینها را باید جمع و جور کرد. ببینید مثلاً ما دو دانشگاه داریم و دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه غیر پزشکی که هر دو دولتی هستند. تفکیک این دو دانشگاه یعنی دو هزینه، دو خرج، دو مدیریت و نهایتاً لوژ شدن کارها. خوب فی‌المثل باید از اینگونه هزینه‌های مکرر ممانعت کنیم. ایراد ما این است که مقادیر زیادی از کشورهای خارجی طلب داریم ولی یا نرفتم و وصول کنیم و یا نتوانستیم. بعد هم رفتیم و از خارج قرض کردیم. خوب این که هنر نیست که آدم طلبش را نگیرد و برود قرض کند.

● چقدر مقروض هستیم؟

● آقای رئیس‌جمهور گفتند هفده میلیارد دلار.



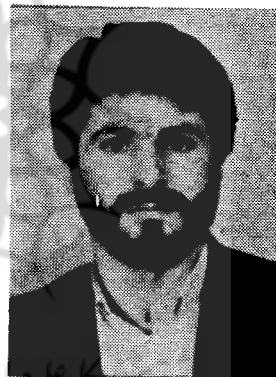
جلال ساداتیان

● اما عده‌ای از نمایندگان مجلس اظهار می‌دارند که جمع بدهی‌های ایران ۳۳ میلیارد دلار است. - قسمتهایی از بدهی‌ها استمهال شده (به تعویق افتاده). بخشی هم پرداخت شده است. احتمالاً آن قسمت‌هایی را که استمهال شده از سر جمع کسر کردند و پرداخت شده تلقی کردند.

● آیا مجوز استقراض را مجلس داده و می‌دهد؟

- بجز حدود دوازده میلیارد دلاری که تحت پوشش یوزانس و مکانیزم‌های مشابه در زمان آقای مهندس موسوی بدون مجوز مجلس استقراض شده آنچه که در برنامه اول تحقق پیدا کرد با تصویب مجلس بوده است.

● مگر نه این است که استقراض بدون مجوز مجلس مخالف قانون اساسی است؟ پس چرا اینکار را کردند؟



دبیب الله کریمی

همین است. منتهی قبلاً هم عرض کردم که مسائل اقتصادی راه حل اقتصادی دارد بنابراین تنها با قانون نمی‌شود مشکلاتی از این دست را حل کرد. باید مشکلات اقتصاد مملکت را که دردهای متعددی از جمله عدم امنیت اقتصادی، بوروکراسی شدید و سنگینی اداری برای تولید، هزینه‌های موازی و مکرر دارد با راه حل اقتصادی مرتفع کرد. قانون تنها می‌تواند یکی از ابزارها باشد. مجلس می‌تواند به عنوان ناظر در تحقق درآمد و هزینه کردن صحیح آنها نقش داشته باشد و در این رابطه ابزار ویژه‌ای هم در اختیار دارد که عبارت است از دیوان محاسبات، دادسرای دیوان محاسبات عمومی که زیر نظر مجلس است و کمیسیون اصل نود، سؤال و استيضاح از وزارت و دولت. این مجموعه ابزارهایی است که در اختیار مجلس است اما تمام

- این مربوط به دولت گذشته است.

تورم ۳۵ درصدی به جای تورم ۹ درصدی

ذبیح‌اله کریمی نماینده شوشتر و عضو کمیسیون کشاورزی و عمران روستاها می‌گوید: تورم یکی از پدیده‌های دردناک اقتصاد معاصر است و این امر در دنیا سابقه‌ای گسترده دارد. تورم تنها منحصر به کشور ما و کشورهای در حال توسعه نیست. بلکه این امر گریبانگیر کشورهای پیشرفته و سرمایه‌داری هم هست، و در زمانهای مختلف نیز بحث برانگیز بوده است. اما اینکه آیا ما در دو سال گذشته در پیشگیری از تورم و مهار گرانی موفق بوده‌ایم که اوضاع و احوال قیمت‌ها نشان می‌دهد موفق نبوده‌ایم. به عنوان مثال نرخ رشد تورم که در برنامه پنجساله اول ۹ درصد پیش‌بینی شده بود به ۳۵ درصد رسید. البته بر اساس آمارهای سازمان برنامه و بودجه که اگر آمار کارشناسان و مسئولان دفتر کلان آن درست باشد، یکی از مهمترین دلایل عدم موفقیت ما قانونمند نبودن جامعه و افزایش حجم پول در گردش یا نقدینگی بیش از رشد تولید و تصمیم‌گیری‌های متناقض و مقطعی در سطح کشور در برنامه‌ها است.

● آقای کریمی بر اساس همین آمار و ارقام سازمان برنامه و بودجه است که مجلس برنامه‌های کوتاه یا بلند مدت دولت را تصویب می‌کند و مسئله ساده‌ای نیست بلکه به سر نوشت کل ملت ربط پیدا می‌کند و از اهمیت خاصی برخوردار است که لزوم توجه بیش از حد را الزامی می‌سازد. آیا مجلس بدون دقت از سر این عدم توجه مسئولان سازمان برنامه و بودجه گذشت یا اینکه متوجه بود و سکوت کرد؟

- با توجه به اینکه اغلب آماری که از طریق برنامه‌ریزان به مجلس داده می‌شود آمار صحیح و دقیقی نبود مجلس را به این اشتباه انداخت.

● مسئول این آمار غلط چه کسانی هستند؟

- واقعیت این است که در جامعه ما هنوز آمار جایگاه خود را پیدا نکرده و ما هنوز آمار دقیقی نداریم. البته حالا آماری را که داریم نزدیک به برنامه‌هایی است که قرار است اجرا شود.

ماجرای واقعی افزایش قیمت دارو چه بود؟

صد میلیون فقیر

سید جلال ساداتیان نماینده همدان و عضو کمیسیون سیاست خارجی، می‌گوید:

- ابتدا باید به ریشه به وجود آمدن این گرانیها اشاره کرد و آنچه که تحت عنوان گرانی خوانده می‌شود را مورد شناسایی قرار داد. تعبیری که ما داریم این است که در اواخر جنگ و اوائل که قرار بود جناب آقای هاشمی رفسنجانی بیایند و مسئولیت قوه مجریه کشور را بر عهده بگیرند یک ارزیابی از وضعیت کشور به عمل آمده که در این ارزیابی نیازهای کشور برآورده شد. نیاز به بازسازی آنچه که در طول جنگ ویران شده بود. نیاز به ایجاد امکاناتی که جوابگوی رشد جمعیت ما بوده باشد. جمعیتی که در سال پیروزی انقلاب حدود ۳۵ میلیون نفر بوده و در اواخر جنگ به حدود ۵۶-۵۵ میلیون نفر بالغ شده بود و همینطور باید آنچه که روی زمین، از امکانات و تأسیسات زیربنایی داشتیم جایگزین و به آنها جواب داده می‌شد، چون هر چیزی عمری دارد و اگر نتوانید آن را جایگزین کنید بعد از مدتی از رده خارج می‌شود. این مجموعه به ما نیازی و ارقامی را دیکته می‌کرد که باید تأمین می‌شد و سؤال این بود که از کجا؟ تنها منبع یا عمده منبع درآمد ما نفت بود. یا باید نفت را می‌فروختیم و سرمایه‌گذاری‌های لازم را انجام می‌دادیم که این نیازها را جواب بدهد یا باید به پرداخت سوسید به مردم ادامه می‌دادیم که قیمت‌ها پائین بماند و یک رضایت مقطعی برای امروز مردم فراهم شود. اگر به همین روند ادامه می‌دادیم تا کجا می‌توانستیم اینکار را ادامه بدهیم؟ آیا آن درآمدی که از طریق نفت داشتیم و به طور کامل سوسید می‌پرداختیم را تا چه زمان می‌توانستیم ادامه دهیم؟ ده یا بیست سال دیگر؟ در آن شرایط جمعیت ما چقدر خواهد شد؟ ۸۰ یا ۱۰۰ میلیون نفر؟ بعد

چه می‌شود؟ آن زمان در می‌باید که هیچ سرمایه‌گذاری برای امور زیربنایی کشور صورت نگرفته و در حقیقت صد میلیون فقیر خواهیم داشت.

ما خود را ام القریای جهان اسلام می‌دانیم و به طور طبیعی باید جوابگوی توقعات مسلمین اقصی نقاط جهان که چشم به این مرکزیت اسلام دوخته‌اند باشیم تا اسلام از اینجا بتواند با قوت و قدرت پیامش را به جهان صادر کند. در نتیجه ما بر سر این دوراهی قرار داشتیم که یا باید درآمدهای ناشی از نفت را برای سرمایه‌گذاری بنیادی در کشور یا قدرت اقتصادی کشور هزینه می‌کردیم یا صرف پرداخت سوسید برای تأمین هزینه‌های مردم، که در نتیجه دیدیم ما در برنامه اول به اصطلاح درآمد و منابع کشور را صرف امور زیربنایی کردیم که بتواند هم زمینه‌های اشتغال را فراهم کند

به اعمال این نقطه نظرات در تنظیم برنامه دوم و همینطور اصلاح روشهای اجرایی فرمودند. در همین راستا مجلس شورای اسلامی نیز گامهایی را برداشت از جمله همین لایحه تنظیم حمایت از مصرف کننده و اقدامات اساسی که در تنظیم لایحه بودجه سال ۷۳ اعمال کرد، بوده است.

● آقای ساداتیان شما اشاره کردید که درآمدهای دولت صرف امور زیربنایی در برنامه پنج ساله اول شد تا در آینده اقتصادی مستحکم داشته باشیم. با توجه به سیاست خصوصی‌سازی که در برنامه دوم لحاظ شده و فروش کارخانجات و تأسیسات ساخته شده در برنامه اول، می‌توان امید داشت که برنامه فوق موفق باشد؟ چقدر موفقیت از برنامه اول حاصل شده است؟ با توجه به اینکه بیش از نیمی از درآمدهای دولت صرف هزینه‌های



حسن سلیمانی

رمضان پورنگی

جاری می‌شد، مقدار هزینه شده برای امور عمرانی با توجه به عدم استفاده بینه از آنها چقدر بود؟ سؤال دیگر این است که میزان بدهی‌های ایران در حال حاضر چقدر است؟

- باید گفت در ارزیابی یک برنامه باید تمام عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی موجود در جامعه را که اثرات مثبت و منفی روی یک برنامه دارند مورد بررسی قرار بدهید. اگر می‌خواهید مثل کره شوید باید تمام مراکز تصمیم‌گیری را در کشور بردارید و قدرت را به دست قوه مجریه و رئیس آن دولت بدهید تا بتواند سازماندهی شده و موفق عمل کنند و قطعاً این تعدد نظرات که هر کدام هم اعمال نظر می‌کردند در کند شدن روند اجرای برنامه مؤثر بود. اگر با در نظر گرفتن همه این عوامل ما برنامه اول را موفق می‌دانیم

و هم استحکام اقتصادی را برای نظام فراهم کند. در نتیجه از پرداخت سوسیدها به تدریج کاسته شد و قیمت کالاها، اجناس و خدمات به سمت قیمت‌های معمول در جهان سوق پیدا کرد و البته در این راه کسانی هم بودند که سوء استفاده می‌کردند و ممکن بود که از این روند به نفع شخصی خودشان به طور لجام‌گسیخته بهره‌برداری کنند اما روند سیاست همین بود که توضیح داده شد. این روند و سیاست مورد تأیید همه مسئولین نظام از بالاترین سطح یعنی مقام معظم رهبری، مجلس شورای اسلامی و همه دست‌اندرکاران امور بوده است. اما در مواردی اصلاحاتی را می‌طلبید که در رهنمودهای مقام معظم رهبری برای تنظیم برنامه دوم ملحوظ شد و ریاست محترم جمهور هم با کسب تجاربی که از اجرای برنامه اول حاصل شده بود دستور

دلایلش این است که شما امروز در هر زمینه‌ای که نگاه کنید ما به توفیقات بالاتر دست پیدا کرده‌ایم. در زمینه کشاورزی ما امروز تقریباً خودکفا هستیم.

● در واردات لوکس و غیر ضروری که میلیاردها دلار از درآمدهای کشور راتلف کرده چه؟ آیا واردات انواع و اقسام کالاهای غیر ضروری نشان دهنده رشد لازم در همین راستا است؟ وقتی که تعدد نظرات عامل ناکامی قسمتی از برنامه اول شد آیا در برنامه دوم نمی‌تواند عامل شکست شود؟ نظرات مخالف متعلق به چه کسانی بوده است؟

- خوب به هر صورت بعضی مشکلات وجود دارد دیگر!

تورم و توصیه‌های اخلاقی

رمضان پورنگی نماینده صومعه‌سرا و عضو کمیسیون صنایع و معادن: ما اول باید ببینیم که تورم زائیده چیست؟ براساس تئوری‌های اقتصادی تورم در واقع با چند عامل ارتباط مستقیم دارد. اولین عامل تورم، تولید است و تولید ناخالص ملی یک کشور خودش به عنوان یک شاخص می‌تواند مورد ارزیابی قرار بگیرد. دومین عامل حجم نقدینگی در جامعه است. سومین عامل سرعت گردش پول است و فرمولی هم که برای این ارتباط داده شده عبارت است از:

سرعت گردش پول × حجم نقدینگی = تولید. قیمت که در این صورت

سرعت گردش پول × حجم نقدینگی = قیمت تولید ناخالص ملی
حالا با توجه به فرمول شما اگر بخواهید ارزیابی درستی از بحث تورم و قیمت در کشور ما داشته باشید، بایستی سه پارامتر فوق را تحلیل کنید. ابتدا باید ببینیم که وضعیت تولید ناخالص ملی بعد از انقلاب چه تناسبی با افزایش حجم نقدینگی در جامعه داشته است؟ یک ارزیابی اجمالی از تولید ناخالص ملی در یک دوره زمانی سال ۵۶ تا ۶۷ نشان می‌دهد که تولید ناخالص ملی نه تنها افزایش نداشته بلکه کاهش هم داشته است. البته از سال ۶۷ تا ۷۱ تولید ناخالص ملی روند صعودی داشته ولی به هیچ وجه تناسبی با افزایش حجم نقدینگی در جامعه نداشته است. حجم نقدینگی تا پایان سال ۷۲ به ۴۶ هزار میلیارد ریال رسیده است. در حالی که

مجلس بر عملکرد اقتصادی تعدادی از نهادها و بنیادها نظارتی ندارد.

حجم تولید ناخالص ملی تا سال ۶۷ چیزی در حدود ۱۸ درصد نزول داشته، از سال ۶۷ تا ۷۱، حجم تولید ناخالص ملی افزایش مختصری نسبت به سال ۶۷ داشته که به هیچ وجه نتوانسته تعادلی را بین عرضه و تقاضا ایجاد کند. وقتی که مخرج کسر که تولید ناخالص ملی است کاهش پیدا کرد، و یا افزایش آن به هیچ وجه تناسبی با افزایش صورت کسر نداشته است، لذا ماحصل کسر، یک عدد بزرگ است و این عدد بزرگ، یعنی افزایش قیمت. یعنی قیمت بالا می‌رود به این دلیل که طی چند سال گذشته، واسطه‌گری نقش مؤثری در اقتصاد ما داشته، بنابراین سرعت گردش پول نیز افزایش پیدا کرده است. سرعت گردش پول این است که وقتی شما می‌توانید پولتان را در تولید بکار نبرید، طبعاً از این دست به آن دست خواهد گشت و یک کالا مستقیماً از تولید کننده به مصرف کننده نخواهد رسید و چند دست خواهد گشت. بنابراین صورت کسر افزایش پیدا کرده و مخرج کسر که تولید ناخالص ملی است یا کاهش داشته یا افزایش مختصری که داشته با افزایش صورت کسر هماهنگی نداشته است. حالا این وضعیت نتوانسته است که هیچ تعادلی بین عرضه و تقاضا به وجود بیاورد. از طرف دیگر به علت رشد بی‌رویه جمعیت بازار تقاضا افزایش چشمگیری داشته و عرضه به هیچ روی تعادلی با تقاضا در بازار نداشته است و در نتیجه این روند منجر به افزایش قیمت‌ها و در نتیجه افزایش در نرخ تورم شده است. حالا اگر در اینجا بخواهیم وارد این بحث هم بشویم که پس چگونه ما نتوانستیم طی این سالها به این تقاضا پاسخ بدهیم، باید بگویم که از سال ۶۷ و خصوصاً در طول برنامه پنجمه اول به دلیل سیاست درهای باز اقتصادی، واردات کلانی به داخل کشور صورت

گرفته و چون ارزش مورد لزوم این واردات را نتوانستیم در عملکرد اقتصادی خودمان به دست بیاوریم، در نتیجه این سیاست اثر مستقیم در افزایش قیمت داشته است، از طرف دیگر عامل دیگری که در افزایش نرخ تورم مؤثر بوده، کارهای عمرانی خود دولت بوده است، این کارهای در واقع عمرانی، تقاضای مضاعفی را وارد بازار کالا نموده است، که همین امر نیز موجب افزایش نرخ تورم شده است. دلیل دیگر عدم نظارت صحیح از طرف دولت بر بازار کالا بوده است و فقدان یک سیستم و شبکه صحیح توزیع در کشور و دلایل بسیار دیگری را هم می‌توان برای افزایش نرخ تورم ذکر کرد.

● حالا اگر مجلس بخواهد با گوانی مبارزه کند و یا جلوی افزایش نرخ تورم را بگیرد می‌بایست چکار کند؟

به نظر من عملکرد مجلس به طور ریشه‌ای باید در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزیهای کلان اقتصادی تجلی پیدا کند. در حال حاضر مجموعه عملکرد اقتصادی کشور است که وضعیتی را که به آن دچار هستیم به وجود آورده است و اگر مجلس بخواهد کاری بکند، باید به طور زیربنایی بر این مجموعه عوامل تأثیرگذار باشد و به هیچ وجه نمی‌تواند با یک طرح یا یک قانون یا یک توصیه اخلاقی این جهت فراینده نرخ تورم را معکوس کرد. اگر چه مجلس شورای اسلامی در دوره چهارم دارای روحیه مبارزه با تورم و گرانی بوده و این روحیه در حمایت از ادامه پرداخت سوبسید از طرف دولت به برخی از بخشهای اقتصادی نظیر کشاورزی و همین طور در بخش خدمات و ثانیاً در مخالفت با افزایش نرخ سوخت و رأی ندادن نمایندگان محترم به بند الف تبصره ۲۵ قانون بودجه کل کشور در سال ۷۳ و همین طور مخالفت نمایندگان با واگذاری بیمارستانهای دولتی به بخش خصوصی و سایر حرکت‌هایی که در حال حاضر حافظه‌ام اجازه نمی‌دهد آنها را تک تک بیان کنم، در واقع مصداق روحیه نمایندگان محترم هست ولیکن هیچ یک از این جهت‌گیریها و موضع‌گیریهای مجلس نتوانسته تأثیر چندانی در جلوگیری از افزایش نرخ تورم داشته باشد. دلیلش هم در عریض بالای بنده نهفته است. اگر بخواهیم نرخ

تورم را کنترل کنیم باید تولید ناخالص ملی را افزایش بدهیم. افزایش تولید ناخالص ملی نیاز به سرمایه‌گذاری دارد، چه سرمایه‌گذاری داخلی و چه خارجی که در مجموعه شرایط کشور ما سرمایه‌گذاری خارجی فعلاً منتفی است. صرف نظر از سرمایه‌گذاری، موضوع مهم دیگر رقابت‌پذیر کردن تولیدات داخل با تولیدات جهانی است و این امر میسر نخواهد شد مگر آنکه شما توسعه تکنولوژیک در کشور را مدنظر قرار بدهید و تکنولوژی میسر نخواهد شد مگر اینکه ما در بخش تحقیقات و پژوهشهای کاربردی و تربیت نیروی انسانی متخصص و بکارگیری بی‌قید و شرط نیروهای متخصص که توانایی کار تحقیقاتی و علاقه خدمت به میهن خود را دارند بکوشیم. پس در واقع در بحث تولید فقط مسئله انباشتن تولید یا افزایش



یاور صالحی

تولید مد نظر نیست و نیاز به این دارد که تولید شما در جهان خریدار داشته باشد. اول اینکه شما اصلاح سیاستهای تولیدی را در برنامه کار خود قرار بدهید و بند و بست‌هایی که بر دست و پای علاقمندان به تولید بسته شده است باز شود. وقتی که شما سیاستهای اقتصادی را به نحوی اصلاح کردید که جامعه علاقمند به سرمایه‌گذاری در بخش تولید شد، سرعت گردش پول هم کاهش پیدا خواهد کرد و از طرفی با تدوین قوانین و مقررات در رابطه با سیاستهای مالی و پولی و کوتاه کردن دست دولت که بزرگترین مصرف‌کننده منابع پولی و بانکی است می‌توانیم حجم نقدینگی را در جامعه کنترل کنیم. در این صورت است که قیمت به حالت واقعی خود نزدیکتر خواهد شد.

پس چرا افزایش قیمت؟

«حسن سلیمانی» عضو کمیسیون قضائی مجلس می‌گوید: در مورد اینکه مجلس در پیشگیری از گرانی و مهار تورم چه وظیفه‌ای به عهده دارد، بایستی بدو اختیارات قانونی و امکاناتی را که برای این امر در حیطه مجلس است بشناسیم و تعریف اقتصادی از گرانی داشته باشیم تا بهتر به واقعت امر برسیم. از نظر اقتصادی گرانی و تورم در یک برنامه تعدیل اقتصادی آنهم در کشوری که کلیه فشارهای اقتصادی و سیاسی جهان استکبار را در مقابل خود دارد، امری طبیعی و قابل قبول است. برای این که گرانی و تورم بهتر شناخته شود، بایستی تصویر روشنی از برنامه‌های اقتصادی و مکانیزمهای قیمت‌گذاری و عواملی که باعث نوسانات بازار می‌شود را تجزیه و تحلیل کنیم. مجلس به تنهایی نمی‌تواند بدون اینکه همه آن اهرمهای موجه گرانی و تورم را بررسی و راههای مقابله با آن را در نظر بگیرد به عنوان یک امر مجرد ذهنی مقوله گرانی و تورم را در جامعه حل و فصل نماید. ولی آنچه را که در توان داشته است در جهت کنترل گرانی و تورم عمل نموده و قوانین مناسبی را مانند الزام دولت به رعایت نرخ‌گذاری کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم و همچنین جلوگیری از افزایش قیمت خدمات دولتی در حدی که در بودجه سال ۱۳۷۳ تصویب شده است مورد رسیدگی و تصویب قرار داده است.

● اما علیرغم گفته شما قیمت خدمات دولتی در سال ۷۳ افزایش یافته که به عنوان نمونه افزایش قیمت خدمات پست و تلگراف و تلفن توسط وزارتخانه ذریعته مورد اعتراف رئیس کمیسیون مربوطه در مجلس قرار گرفته است. از طرفی به اعتراف بازاریان قیمت‌های تعیین شده برای کالاها بالاتر از قیمت‌های گذشته است. این چه مصواتی است که یا رعایت نمی‌شود یا نرخها بعد از آن افزایش می‌یابد؟

- در مورد این که در بودجه سال ۷۳ نسبت به خدمات دولت و نحوه قیمت‌گذاری آن تبصه‌هایی وجود دارد و در آن تبصره‌ها، در مورد افزایش قیمت خدمات پستی و تلفنی اجازه‌هایی نیز داده شده است. نظر بنده این است با توجه به توضیحات وزیر محترم پست و

استقراضهای اخیر با اجازه مجلس بوده است

تلگراف و تلفن به مصوبه عمل شده است ولی ممکن است مفاد کامل تبصره و شیوه اجرائی آن به علت این که به امر گرانی و تبلیغات آن در مطبوعات بهاء زیادی داده می شود، این ذهنیت را ایجاد کرده باشد که عمل وزارتخانه فوق خلاف قانون بوده است، در حالی که وزارتخانه مربوطه با توجه به التزامش به رعایت موازین قانونی قطعاً اقدامی در جهت نقض قانون انجام نمی دهد و چون مبنای نرخ گذاری با توجه به قیمت تمام شده هر کالائی و نوسانات روز ارزش دلار تغییر پیدا می کند، بنابراین گرانی احتمالی ناشی از نرخ گذاری نیست بلکه ممکن است قیمت تمام شده فعلی کالا نسبت به گذشته تغییر کرده باشد و به این علت بهاء ارائه شده به عنوان قیمت روز در حالی که بالاتر از قیمت های قبلی باشد به عنوان گرانی تلقی گردد و این گرانی محسوب نمی شود. منظور از گرانی ارائه قیمت بر خلاف نرخ تمام شده است.

علت سکوت مجلس

«یاور صالحی» نماینده ایزده و باغ ملک و عضو کمیسیون پست و تلگراف و نیرو:

در یک بحث کوتاه نمی توان موضوع مهم، حیاتی و فراگیر اقتصاد را تشریح کرد: دیدگاه های رئیس جمهور محترم در ارتباط با اقدامات زیربنائی اقتصادی در کشور قطعاً تورم و گرانی را در پی خواهد داشت. اما انجام این اقدامات زیر بنائی در آینده مایه افتخار خواهد بود. مجلس اگر سکوت نموده و یا اینکه تلاش مؤثری را در این رابطه انجام نداده فقط به خاطر همین امر مهم بوده و بسیاری از کشورهای مترقی دنیا همچو شرایطی را سپری کردند. البته قصور مجلس را در ریخت و پاش وزارتخانه ها و تعلق شرکتها و بیمانکارها در انجام پروژه های بسیار بزرگ و کوچک که موجب تحمیل رقم کلانی

تحت عنوان تعدیل به بودجه عمومی گردیده نمی شود نادیده گرفت و همچنین اشتباهات زیادی را در ارتباط با اتخاذ سیاستهای ارزی شاهد بودیم که موجب فروش ارزان ارز به عده ای سوداگر گردیده و خسارت هنگفتی به بیت المال زده و همچنین سبب افزایش تورم گردیده است. موضوع مهم دیگری که به اعتقاد بنده مجلس وقت کمتری برایش گذاشته موضوع نظارت بر حسن انجام امور جاری مملکت بوده که جمعاً می توانست موجب کاهش حداقل ۳۰ درصد تورم موجود گردد. امید است ملت ایران با سعه صدر و اعلام نظر خردمندانه خود در جراید و رسانه های کشور به طور جدی و فعال مسئولان و علی الخصوص مجلس را در جریان شدت گرانی و عوامل آن قرار بدهد.

● شما به وضعیت مشابه کشورهای دیگر اشاره کردید. می توانید شاهد مثال بیاورید؟

– مثلاً آلمان بعد از جنگ.

● آیا شما با وضعیت آلمان ده سال بعد از جنگ یعنی آلمان سال ۱۹۵۴ آشنائی دارید؟

– نه، ولی جنگ و بازسازی در ایران و همچنین اقدامات زیربنائی و تذبذب بودجه عمومی دولت در بخش هزینه های جاری که ناشی از تصمیم گیریهای غلط حکومت قبل در انحصاری کردن بسیاری از امور توسط دولت بود و هزینه های بسیار گران را بر ملت ما تحمیل کرده که کمتر از جنگ آلمان نیست. شما به رقم هزینه های جاری وزارتخانه ها و شرکت های تحت پوشش دولت نگاه کنید، متوجه خواهید شد که عرض بنده کاملاً قابل استناد می باشد. البته بنده مدعی نیستم که اشکالات دیگری وجود نداشته و ندارد بلکه پارامترهای مهم همین مواردی بود که عرض کردم.

● آقای صالحی، شما در صحبت های فرمودید که اکثر شرکتها و وزارتخانه ها قبل از انقلاب با جذب کاذب نیرو ایجاد مشاغل کاذب می کردند، در حالی که بعد از انقلاب هم ما شاهد چنین وضعیتی در حد گسترده تری بوده ایم. به عنوان مثال به وزارت نفت اشاره می کنیم که پرسنل آن از ۷۰ هزار به ۱۲۵ هزار نفر رسیده در حالی که تولیدش به نصف کاهش پیدا کرده، این یعنی افزایش

هزینه های جاری کشور یا به عبارت بهتر اتلاف سرمایه. سؤال این است که چرا چنین وضعی پیش آمده و مضراتش بر اقتصاد کشور چیست؟

– بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وزارت نفت با توجه به جنگ تحمیلی، بمبارانهای شدید حوزه ها و سکوها نفتی و تأسیسات پمپاژ نفت از جاهها به بنادر با کاهش شدید صادرات نفت مواجه شد. از طرفی بنا به برنامه ریزی های قبلی در ارتباط با توسعه می بایستی صادرات نفت افزایش پیدا می کرد و تأسیسات جدیدی هم راه اندازی می شد، به همین لحاظ تعداد زیادی نیرو جذب شد که در مجموع هیچگونه کارائی نداشتند و هرچه سریعتر می بایستی در پالایشگاهها، پتروشیمی و تأسیسات گاز کشور بکار مشغول شوند یا اینکه باز خرید شوند. اگر هر کاری غیر از این انجام بگیرد، یعنی این نیروها بدون آنکه کاری برایشان وجود داشته باشد مزد دریافت می کنند، پس هم مزدشان خلاف شرع است و هم آن مسئول مربوطه شان در مقابل خون شهدا مسئول خواهد بود. البته با استفاده از سیستم بازنشستگی ضرورت دارد که نیروهای مسن هرچه زودتر بازنشسته و از نیروهای جوان جهت انجام امور سخت استفاده شود.

● اما مسئله ای که مورد نظر ما هست فقط مربوط به شرکت نفت نمی شود بلکه اکثر شرکتها، سازمانها و وزارتخانه ها گرفتار این نیروی کاذب شده اند که هیچگونه کارائی هم ندارند. در مورد آنها چه نظری دارید؟ و چرا این وضع پیش آمد؟

– متأسفانه به علت عدم ثبات مدیریت در شرکتها و عدم نظارت صحیح حجم زیادی از نیروی انسانی بدون هیچگونه هدفی جذب شرکتها گردیده و هزینه های آنها را بالا برده و غالب شرکتها زیان ده شدند و هیچ کس نمی تواند منکر این واقعیت تلخ باشد و بهترین کار تعدیل نیروها است. البته نه به قیمت بیکاری این افراد که غالباً تشکیل خانواده داده اند و هزینه های زندگی نیز بسیار بالا است و قطعاً می بایست با حمایت وزارت کار تعدیل به صورت انتقال از نقطه ای به نقطه دیگر صورت پذیرد. چون کشور به شدت در حال توسعه است و ممکن است یک وزارتخانه به نیرو نیاز داشته باشد و

وزارتخانه دیگر یا زیر مجموعه هایش مازاد نیرو داشته باشند که این نیاز به یک برنامه ریزی بسیار دقیق دارد.

● آیا همین عدم ثبات و عدم مدیریت و عدم نظارت مجلس و عدم برنامه ریزی دقیق در اقتصاد کلان چنین وضعی را سبب نشده است؟

– البته طبیعی است که بعد از هر انقلابی یک سری فعالیتهای بی برنامه و حتی تخریبی هم صورت بگیرد و اما در قسمت توسعه کشور خوشحانه گامهای بسیار اساسی و زیربنائی برداشته شده اما به قیمت ایجاد تورم و فشار به مردم و هر کشوری تا زیربنای خودش را نسازد نمی تواند به آینده خودش خوشبین باشد. البته من فقط معتقدم که سرعت توسعه قدری زیاد بوده است و فشار آسیب پذیر به شدت فراموش شده اند و توجه به واقعیات موجود از جمله هزینه اجاره مسکن، خوراک و پوشاک و حمل و نقل در مقایسه با حقوق و دستمزد افراد حقوق بگیر اصلاً قابل مقایسه و قابل تحمل نیست و دولت محترم هرچه سریعتر باید در این رابطه وقت بگذارد و به این واقعیات نه به صورت صوری بلکه به صورت واقعی توجه جدی کند.

● شما صحبت از توسعه زیاد و سرعت توسعه نمودید، در حالی که ما شاهدیم که بعد از سه دهه تازه درصدد ایجاد کارخانجات مونتاژ اتومبیل یا نمونه های دیگر از این دست هستیم.

بدهی های ایران طبق گفته بعضی از نمایندگان مجلس به سی یا سی و چند میلیارد دلار می رسد، در حالی که کره با همین مبلغ توانسته جشی در اقتصاد خود ایجاد کرده و به یکی از صادرکنندگان بزرگ تبدیل شود. مسئولان اقتصادی ما هم بیان می کنند که در پایان برنامه دوم حدود سی درصد از درآمدهای کشور را صادرات غیر نفتی در حالت ایده آل تشکیل خواهد داد، یعنی چیزی حدود ۴ تا ۵ میلیارد دلار در حالت ثبات داشتن قیمت نفت و در آن صورت هم ما باز خرجمان بیش از دهلان است. از طرفی می دانید که دولت در صدد واگذاری کارخانه های ساخته شده در برنامه اول به بخش خصوصی است زیرا اعتقاد دارد که مدیریت دولتی نمی تواند سود ده باشد. آیا شما اینها را توسعه می دانید؟ مصداق عینی فرمایش شما در کجاست که بتوان به آن توجه کرد؟

طلبه‌ایمان را از بیگانگان نگرفتیم، اما قرض کردیم!

من در ارتباط با مسائل صنعتی و برنامه‌ریزی‌هایی که شد به شدت ناراحت و نگران هستم و متأسفانه موفقیت نسبی هم نداشتیم و در ارتباط با صنایع کوچک یک سری اقداماتی صورت گرفته که بسیار قابل تحسین است. ما قبلاً کوچکترین و ریزترین وسیله را ناچار بودیم وارد کشورمان بکنیم. الان بسیاری از این اقلام در داخل کشور تولید می‌شود. اینها موفقیت است ولی از سهم ارزی اختصاص داده شده به صنعت در برنامه پنج ساله اول یقیناً استفاده درستی نشده است و اگر در برنامه دوم دقت نکنیم من هیچ امیدی به تسرفی در آینده نخواهم داشت. مخصوصاً اگر مدیرتها اصلاح نگردند، فاجعه خواهیم داشت. ولی در بخش کشاورزی و عملیات آبی ما موفقیت‌های بسیار زیادی داشته‌ایم. در ارتباط با صادرات حرکت‌های خوبی شروع شده است که اگر رئیس جمهور محترم این اوضاع و احوال را سر و سامانی بدهد، ما در صادرات بخش کشاورزی به رقمی دست خواهیم یافت که هرگز در صنعت توفیق آن را پیدا نمی‌کنیم. یک مثال خدمت شما عرض کنم. ما شش تن محصولات کشاورزی را به کشور دبی صادر کردیم و یک وسیله نقلیه از سود این صادرات خریداری کردیم. بنابراین توجه به بخش کشاورزی رمز موفقیت کشور ما است و ما نباید به امید توفیق در برنامه‌ریزی صنعتی مثل کشورهای نظیر کره، ژاپن و آلمان بنشینیم. در بخش کشاورزی خیلی سریع و پرفایده به نتیجه خواهیم رسید.

● **اگر در بخش کشاورزی هم در پایان برنامه دوم به گفته مسئولان تازه به خودکفائی خواهیم رسید.** با توجه به مطالب گفته شده که ایران باید به گات بپیوندد و اگر این امر صورت بگیرد دولت نباید به بخش کشاورزی سوسید بپردازد، در آن صورت کشاورزی لطمه خواهد دید

اروپا و ژاپن

خروج از بدترین وضعیت اقتصادی

سهام بورس، بازار را تهدید به توزمی ناخواسته می‌کند. کارشناسان اروپایی عوامل گفته شده را بزرگترین تهدید برای رشد نشانه‌های بهبود می‌دانند.

حتی در بهترین شرایط، وضع برای حرکت به سوی بهبود قطعی و واقعی، نویدبخش نیست. بهبود هنوز صدائی خفه در گلو دارد و غرش آغاز نکرده است. نرخ بیکاری ۱۱/۷ درصد در اروپا ۲/۸ درصد در ژاپن تنها زمانی می‌تواند کاهش پیدا کند که بهبود وضع اقتصادی آغاز شود، پیش برود و جا بیفتد، ببینیم عناصری که می‌توانند به نفع بهبود و یا به زیان آن کمک کنند کدامها هستند:

ژاپن: نشانه‌های امیدبخش

شیزو تاناکا که همراه اعضا خانواده‌اش یک رستوران را در محله معروف و ثروتمند آکاسا کای توکیو اداره می‌کند می‌گوید: احساس می‌کنم تحرک‌هایی در جریان است، این احساس همه جا را پسر کرده است. تاناکا در خوشبینی خود تنها نیست، بسیاری از صنعتگران و بازرگانان ژاپنی در این احساس با او شریکند، یک پژوهش بانک مرکزی ژاپن در مورد وضع اقتصاد کشور در سه ماه اول سال جاری که براساس نظریات هیأت‌های مدیره چندین شرکت انجام شده می‌گوید آثار مثبتی در تحرک اقتصادی به وجود آمده که در پانزده سال گذشته سابقه نداشته است. یاسوشی میه‌نو رئیس بانک مرکزی ژاپن می‌گوید: امکانات نیرومندی ظاهر شده‌اند که به اقتصاد کشور فرصت می‌دهند تا در جهت بهبود به حرکت درآیند ولی ما باید به دقت یک یک عناصر تشکیل دهنده این بهبود را بشناسیم و زیر نظر بگیریم.

از جمله نشانه‌های امیدوارکننده جهش‌های خفیف در صنایع خانه‌سازی است. در ماه آوریل سال جاری رشد این حوزه اقتصادی نسبت به سال گذشته ۱۱/۶ درصد بوده است، مدیران بخش صنایع الکترونیک و اتومبیل‌سازی نیز امیدوارند در سال جاری به نتایجی ارضاء کننده برسند. شرکت عظیم تویوتا امیدوار است برای نخستین بار در چهار

درصد بود، امسال یک و هشت دهم درصد نشان می‌دهد. در ژاپن نیز که سال گذشته رشدی معادل یک دهم درصد داشت امسال این رشد به هشت دهم درصد بالغ شده و اتحادیه اروپا به رشدی برابر یک و نه دهم درصد رسیده که این رقم در سال گذشته سه دهم درصد بود. بوند سبانک، بانک مرکزی آلمان هفته گذشته در یک یادداشت خوشبینانه اعلام کرد: «به نظر می‌رسد گرایشها و کششهای توری در اقتصاد آلمان به سر آمده است»، عامل عمده این بهبود شرکتها قسملمداد شده‌اند و نه مصرف‌کنندگان، در ژاپن و اتحادیه اروپا رای دهندگان همچنان اعتمادی متزلزل به اقتصادهای خود دارند و هنوز آثار بهبود را بر زندگی خود احساس نکرده‌اند ولی در بخش صنعت و بازرگانی، اروپائیان به افزایش صادرات خود توفیق یافته‌اند و در ژاپن نیز پس از سالها، صنایع موفق به کاستن از قیمت تمام شده کالاها شده‌اند و لذا بسیاری از شرکت‌های ژاپنی امیدوارند تا پایان سال جاری به سودهای مورد نظر خود دست یابند. همین امیدواری و انتظار خود عاملی است برای تحرک و رشد بیشتر در بهبود وضع اقتصاد. بان هاروود یک کارشناس استراتژیهای جهانی اقتصاد در لندن می‌گوید: «در پایان سال جاری اوضاع رو به دگرگونی می‌رود و تا آن زمان نشانه‌های بهبود در سطحی وسیعتر خود را ظاهر خواهند ساخت، بهبود آغاز شده ولی هنوز زمان مناسب برای ارزیابی و برآورد چگونگی آن فرا نوسیده است، شکافهای ایجاد شده در اقتصادهای این کشورها هنوز قادرند ارکان این بهبود تازه با گرفته را به لرزه درآورند، در ژاپن بانکها همچنان درگیر اعتباراتی هستند که به علت رکود به شدت آسیب دیده‌اند و مشتریانشان قادر به بازپرداخت وامهای دریافتی خود در موعد مقرر نیستند، بسیاری از شرکت‌های ژاپنی از کاهش ظرفیتهای تولیدی خود رنج می‌برند، این کاهش گاهی تا جایی پیش می‌رود که تعدادی از آنها از پرداخت دستمزد کارکنان خود عاجز می‌مانند. در اروپا نرخهای بالای بهره، و عرضه بیش از حد

نشانه‌هایی گرچه نه چندان بارز در دست است که حرکتی آهسته و متزلزل برای خروج از اعماق رکود اقتصادی در ژاپن و اروپا آغاز شده است، این نشانه‌ها صرفاً تجربی است ولی کارشناسان اتفاق نظر دارند که اقتصاد نابسامان اروپا و ژاپن پس از سالها رکود دردناک آهسته و لنگ لنگان راه بهبود را پیش گرفته است. گرچه امید به بهبودی اوج نگرفته، ولی صرف امید به بهبود هم خبری است خوش برای جهان و جهانیان.

حتی در دورانی که امریکا خود را از رکود چندین ساله رها ساخت و راه بهبود در پیش گرفت، رکود و نابسامانی اقتصادی در ژاپن و اروپا آنچنان بر سیر نزولی اقتصاد جهانی اثر گذاشت که تقاضای این کشورها برای خرید مواد خام از کشورهای جهان سوم از سوی صادرات آنها به همین کشورها از سوی دیگر به شدت لطمه دید. اما ماه گذشته سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (او - ای - سی - دی) گزارش داد که شاخص‌های اقتصادی اروپا در سال ۱۹۹۴، گرچه بسیار بطنی اما به هر حال رو به بهبود است. این سازمان بر اساس برآورد خود از آلمان به عنوان نیروی محرکه موتور اقتصاد اروپا این گزارش را منتشر کرد. این گزارش رشد اقتصادی آلمان را که در سال گذشته هشت دهم

و نیز با در نظر گرفتن تعدد وظایف سازمانهای مرتبط با امر کشاورزی آیا باز هم شما چنین توفیقی را انتظار دارید؟

- البته باید خوشبین بود. چون مجلس در حال بررسی ادغام دو وزارتخانه جهاد و کشاورزی است که به اعتقاد بنده وزارت کشاورزی باید در وزارت جهاد ادغام و یک وزارت بزرگتر به وجود بیاید و اشتباه بزرگ وزارت کشاورزی در انتخاب نوع کشت بسیار قابل استغناء می‌باشد. یعنی اختصاص دشتهای وسیع خوزستان به کشت نیشکر قطعاً توجیهی نخواهد داشت و این اعتقاد وزیر کشاورزی در ارتباط با پیوستن به پیمان‌گات نیز به هیچ وجه با وضعیت فعلی کشاورزی در کشور ما سازگاری ندارد و یک تصمیم بسیار خطرناک است.